



اعاده دادرسی در قوانین کیفری

دکتر امیر سپهوند

(قاضی عالی رتبه دیوان عالی کشور)

اعاده دادرسی در قوانین کیفری دارای تحولات و تغییراتی است. باتصویب قانون آیین دادرسی کیفری در یازدهم شهریور ماه ۱۲۹۰ و تجویز تجدید محاکمه به موجب مقررات این قانون، مواد (۴۶۶ تا ۴۷۲) قانون مزبور به موارد و مقررات و موضوعات متفرقه مربوط به اعاده دادرسی اختصاص داده شده (۱).

مقررات قوانین کیفری در باب اعاده دادرسی به موازات تحولات کلی قوانین، تغییرات و تحولاتی پیدا کرد، تا سال ۱۳۵۶، که تغییرات عمده‌ای در این خصوص در قوانین ایجاد نشده و ضوابط، معیارها و مقررات اعاده دادرسی، همان است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ پیش‌بینی گردیده. در سال ۱۳۵۶ با تصویب قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، علاوه بر اصلاح و تغییر سایر قوانین، در مقررات تجدید محاکمه نیز تغییراتی داده شده و اصلاحاتی به عمل آمده است (۲).

پرونده تطابق داشته و به عبارت دیگر، متضمن اجرای عدالت نیز باشد، اما شهادت کذب، قسم دروغ، در مواردی که قسم خوردن افراد از دلایل اثبات جرم محسوب می‌شود؛ مانند موضوع لوٹ و قسامه در خصوص قتل، ارائه اسناد و مدارک مجعول، ناپدید شدن افراد در جریان حوادث و اتفاقات و در مظان اتهام قرار گرفتن افراد، درخواست مصرا نه و اقدامات شکات و عوامل متعدد و مختلف دیگر موجب می‌شود که بدون انجام تحقیقات و رسیدگی کامل حکم صادر گردد. و در این قبیل موارد مطمئناً بین مفاد آرا و واقعیات خارجی تطابق و هماهنگی وجود نخواهد داشت؛ زیرا به هر حال، نهایتاً آرای صادره بایستی با ادله و اوضاع و احوال قضایا مطابقت داشته باشد و بر این اساس، به منظور تلفیق اعتبار احکام قطعی و اجرای عدالت که مستلزم تطابق واقعیات خارجی و مفاد آرای صادره می‌باشد، تجدید محاکمه یا اعاده دادرسی مقرر و تجویز گردیده است.

اعاده دادرسی یا تجدید محاکمه یا تمدید رسیدگی، از طرق فوق‌العاده رسیدگی به امور کیفری است. این طریق رسیدگی در مورد احکام قطعی قابل اجرا و اعمال است و احکام غیر قطعی از شمول مقررات تجدید محاکمه خارج می‌باشند. اصولاً در مواردی که برطبق قانون و در مراحل مختلف به دعوا رسیدگی و حکم قطعی صادر می‌شود، اعتبار احکام قطعی مقتضی اجرای مفاد آنها است و اتخاذ ترتیب دیگری به نحوی که موجب تعویق و تأخیر اجرای حکم باشد، مغایر اعتبار احکام و امری نامطلوب است. با این حال در مورد احکام قطعی، تجدید محاکمه یا اعاده دادرسی به طریقی که قانون معین نموده تجویز گردیده؛ علت تجویز اعاده دادرسی و به تأخیر افتادن اجرای حکم قطعی به این جهت است که قانونگذار احتمال می‌دهد حکم برخلاف واقع صادر شده باشد.

هر چند در جریان رسیدگی به دعاوی سعی بر این است که حکم صادره با واقعیات خارج از

تغییرات اعاده دادرسی در قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، به شرح مقرر در مواد (۲۳) و (۲۴) این قانون است. در ماده (۲۳) موارد تجویز تجدید محاکمه یا اعاده دادرسی معین گردیده و مقررات ماده (۲۴) اشخاص را که حق درخواست اعاده دادرسی دارند، مشخص نموده. موارد تجویز تجدید محاکمه و پیش‌بینی شده در ماده (۲۳) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، با اختلافات نسبتاً جزئی همان است که ماده (۴۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ به آنها پرداخته است. ماده (۴۶۶) علاوه بر تعیین موارد تجویز اعاده دادرسی، اشخاصی را که حق درخواست اعاده دادرسی دارند نیز معین کرده است.

طبق ماده (۲۴) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، اشخاصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارند از این قرار است:

- ۱ - دادستان کل یا رعایت بند ۲ ماده (۴۶۷) قانون آیین دادرسی کیفری به هر یک از جهات مذکور در بندهای ماده (۴۶۶).
- ۲ - محکوم علیه و نماینده قانونی او، در صورت فوت و یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراثت قانونی و یا کسانی که از طرف او برای درخواست اعاده دادرسی مأموریت خاص دارند، فقط به جهات مقرر در بندهای ۱-۲-۳ و ۶ ماده (۲۳) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری.

علت تجویز درخواست اعاده دادرسی از ناحیه همسر و وراثت محکوم علیه در صورت فوت وی این است که آثار احکام کیفری به طور مستقیم و غیرمستقیم متوجه اشخاص می‌شود. کسی که مستقیماً تحت تأثیر محکومیت کیفری قرار می‌گیرد، محکوم علیه است.

خانواده، بستگان و حتی قبیله محکوم علیه به طور غیرمستقیم از لحاظ مادی، معنوی و یا حیثیتی از تأثیر سوء محکومیت کیفری مصون نیستند و به این طریق آثار مزبور متوجه آنان می‌شود و بر این اساس، با وجودی که فوت محکوم علیه موجب موقوف شدن اجرای حکم می‌شود، همسر و وراثت محکوم علیه به منظور

علت تجویز درخواست

اعاده دادرسی از ناحیه

همسر و وراثت محکوم علیه

در صورت فوت وی این است

که آثار احکام کیفری به طور

مستقیم و غیرمستقیم

متوجه اشخاص می‌شود.

کسی که مستقیماً تحت

تأثیر محکومیت کیفری

قرار می‌گیرد، محکوم علیه

است

نفی آثار محکومیت و اثبات بی‌گناهی محکوم علیه حتی پس از مرگ وی می‌توانند درخواست اعاده دادرسی نمایند و در صورتی که جهات و شرایط درخواست محقق باشد، پذیرش درخواست این اشخاص و تجدید محاکمه بلامانع و الزامی است.

در سال ۱۳۷۸ که قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تصویب شد، و از تاریخ اجرای مقررات این قانون، مقررات مربوط به اعاده دادرسی در

امور کیفری تغییراتی پیدا کرده است. (۳) بدیهی است تا قبل از تصویب و اجرای این قانون، موارد و مقررات تجویز تجدید محاکمه همان است که در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۰ و قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مقرر شده است. مواد (۲۷۲) تا (۲۷۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به موارد و مقررات تجویز اعاده دادرسی اختصاص دارد.

باتوجه به این که باب چهارم از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، به موارد تجویز تجدید محاکمه اختصاص دارد، و ماده (۳۰۸) این قانون، مقررات مغایر و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی آن را صریحاً لغو کرده، ممکن است تصور شود که مقررات و قوانین سابق در مورد اعاده دادرسی قابلیت اجرا ندارند و جهات و شرایط اعاده دادرسی در قانون لاحق معین شده و بایستی بر طبق این مقررات اتخاذ تصمیم شود، اما چنین تصور و ترتیبی مورد تأیید و موجه نمی‌باشد؛ زیرا ماده (۳۰۸) صریحاً مقرر داشته « که دادگاههای عمومی و انقلاب بایستی بر طبق این قانون اقدام نمایند و مقررات فوق نسبت به دادگاههای عمومی لغو گردیده » و الغای موضوع این ماده کلیت ندارد. بر همین اساس، هیأت عمومی دیوان عالی کشور اخیراً در یک رأی وحدت رویه، مقررات ماده (۱۷۳) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را که اعمال مقررات مرور زمان را در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی است، تجویز نموده، را در مورد دادگاههای نظامی غیرقابل اجرا اعلام کرده است. بنابراین دادگاههای نظامی، در مورد اعاده دادرسی بایستی بر طبق کلیه مقررات قوانین

کیفری اقدام و اتخاذ تصمیم نماید.

موارد اعاده دادرسی:

باتوجه به قابل اعمال بودن مقررات کلیه قوانین کیفری در باب اعاده دادرسی و از این حیث که با اصلاح مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰، به موجب مقررات قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری با اختلافات جزئی، موارد تجویز اعاده دادرسی در ماده (۲۳) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری همان است که ماده (۴۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده، بدو موارد اعاده دادرسی بر طبق ماده (۲۳) و سپس براساس مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری بررسی می‌شود.

طبق ماده (۲۳) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، موارد تجویز اعاده دادرسی به شرح زیر است:

۱- وقتی که پس از صدور حکم قطعی بر محکومیت کسی به اتهام قتل، بقای شخصی که قتل او مورد ادعا قرار گرفته در زمان فرض وقوع قتل احراز و یا آن شخص پیدا شود.

۲- وقتی که پس از صدور حکم قطعی بر محکومیت فردی به علت ارتکاب جرم، حکم قطعی دیگری بر محکومیت فرد دیگری به علت ارتکاب همان جرم از مراجع قضایی صادر شده، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از دو محکوم علیه احراز گردد.

۳- وقتی که گواه یا گواهان که حکم قطعی به محکومیت براساس یا به علت تأثیر شهادت آنها صادر گردیده، به موجب حکم مراجع قضایی به علت شهادت کذب در دعوی منتهی به حکم مذکور، محکومیت یافته‌اند و یا جعلیت اسنادی که مبنای حکم بوده به ثبوت رسیده باشد.

۴- وقتی که پس از صدور حکم قطعی بر محکومیت، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر شود و یا اسناد جدیدی ابراز گردد که طبعاً موجب ثبوت بی‌گناهی محکوم علیه باشد.

۵- وقتی که به علت اشتباه اساسی دادرسان، کیفر مورد حکم قانوناً متناسب با تقصیر مرتکب نباشد.

وقتی که گواه یا گواهان

که حکم قطعی به

محکومیت براساس یا

به علت تأثیر شهادت آنها

صادر گردیده، به موجب

حکم مراجع قضایی به علت

شهادت کذب در دعوی

منتهی به حکم مذکور،

محکومیت یافته‌اند و یا

جعلیت اسنادی که مبنای

حکم بوده به ثبوت رسیده

باشند می‌توان اعاده

دادرسی کرد

موارد اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری:

به موجب ماده (۲۷۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، موارد تجویز اعاده دادرسی احکام قطعی دادگاهها اعم از این که حکم صادره به مرحله اجرا گذاشته شده یا نشده باشد، بدین قرار است:

۱- در صورتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شود که در حال حیات است.

۲- در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد.

۳- در صورتی که شخص به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مراجع قضایی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره، بی‌گناهی یکی از آن دو نفر احراز شود.

۴- جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است، ثابت گردد.

۵- در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد.

۶- در صورتی که به علت اشتباه قاضی، کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد.

۷- در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی، مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.

تبصره: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نخواهد بود.

در مورد بند ۱ ماده (۲۷۲) قانون مذکور، موارد زیر قابل توجه است:

اولاً: حکم قطعی بایستی بر قاتل بودن شخصی صادر شود. بنابراین، چنانچه حکم غیرقطعی بر قاتل بودن صادر گردد چنین حکمی مشمول مقررات اعاده دادرسی نیست.

مثلاً: در موردی که دادگاه عمومی به موضوع اتهام قتل عمدی رسیدگی و متهم به قتل را به قصاص نفس محکوم کرده و محکوم‌علیه یا وکیل وی درخواست تجدیدنظر کرده‌اند و موضوع جهت بررسی و نقض و ابرام در دیوان عالی کشور مطرح است، نمی‌توان با درخواست اعاده دادرسی موافقت کرد و چنین درخواستی قابلیت بررسی و طرح ندارد.

ثانیاً: در ماده (۲۰۴) قانون مجازات اسلامی، برای قتل انوعی مقرر شده و طبق این ماده، قتل یا عمدی یا شبه عمد و یا خطئی است و با اطلاق بند ۱ ماده (۲۷۲)، مقررات تجویز اعاده دادرسی منحصر به قتل عمدی نیست و با وجود شرایط می‌توان نسبت به قتل

شبه عمد و خطا نیز درخواست اعاده دادرسی مطرح کرد.

ثالثاً: زنده بودن شخص برای تجویز اعاده دادرسی در زمان ادعای قتل، کافی است، هر چند در

زمان طرح درخواست، شخص مورد نظر زنده نباشد.

در مورد بند ۵ ماده (۲۷۲)، مبنی بر این که پس از صدور حکم قطعی دلایل جدیدی ارائه شود که موجب بی‌گناهی محکوم‌علیه باشد، هرگاه در مورد محکومیت سربازی به جرم فرار از خدمت معلوم شود که به علت تکفل، خدمت وظیفه شامل او نبوده، ارائه چنین دلیلی از جمله دلایل بی‌تقصیری موجب

اعاده دادرسی برخلاف تجدید نظر و فرجام و سایر رسیدگی‌های قضایی، مهلت ندارد و بنابراین، بدون محدودیت زمانی با فراهم شدن موجبات اعاده دادرسی، طرح درخواست مانعی ندارد

پرونده بر اثر اتصال سیم برق بوده است، به‌عنوان دلیل بی‌تقصیری قابل استناد و از موارد تجویز اعاده دادرسی است. به هر حال، دلیل بایستی جدید بوده و قبلاً اقامه و به آن استناد نشده باشد. دلایلی که در جریان رسیدگی و قبل از صدور حکم قطعی ارائه و مورد بررسی واقع شده دلیل جدید محسوب نمی‌شود و درخواستی که بر مبنای این قبیل دلایل مطرح می‌شود، قابلیت پذیرش ندارد.

اشخاصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارند

در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، علاوه بر دادستان کل و وراث و همسر محکوم‌علیه که به موجب قوانین سابق، درخواست اعاده

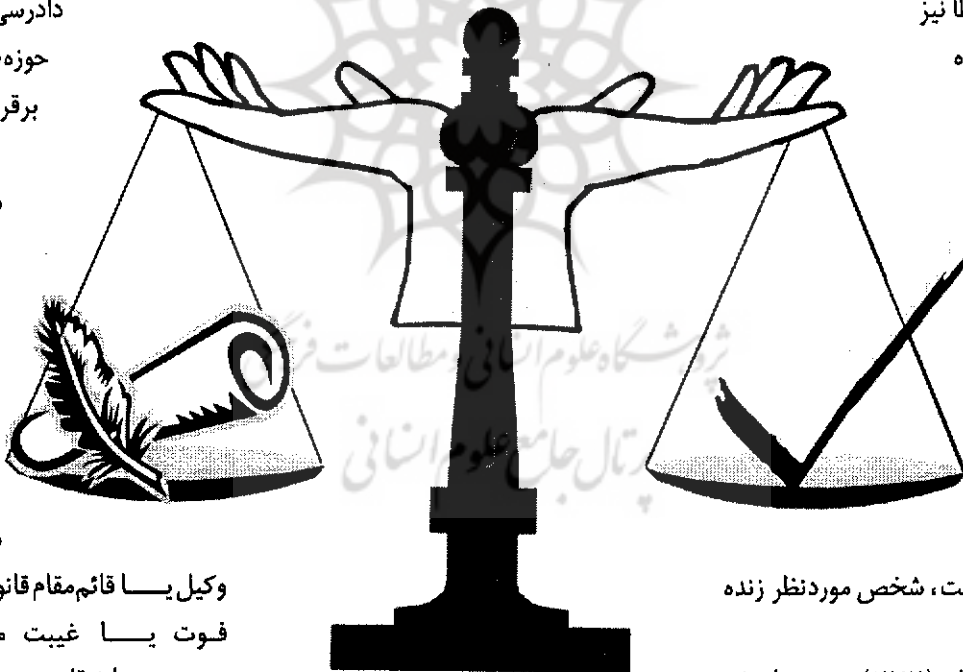
دادرسی دارند، برای رئیس حوزه قضایی نیز حق مزبور برقرار گردیده است.

به‌طور کلی، طبق ماده (۲۷۲) قانون مذکور اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند: ۱ - محکوم‌علیه یا

وکیل یا قائم‌مقام قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او.

- ۲- دادستان کل کشور.
- ۳- رئیس حوزه قضایی.

مرجع رد و قبول درخواست اعاده دادرسی اعاده دادرسی برخلاف تجدیدنظر و فرجام و سایر رسیدگی‌های قضایی، مهلت ندارد و بنابراین، بدون محدودیت زمانی با فراهم



پذیرش اعاده دادرسی است.

یا در مورد آتش‌سوزی و ایجاد حریق که موجب اتهام و محکومیت شخص شده، چنانچه اداره آتش‌نشانی یا کارشناس رسمی اعلام و گواهی نماید که حریق منزل شاکی

متوقف شدن اجرای حکم نایستی موجب فرار یا مخفی شدن محکوم‌علیه شود. در صورتی که تأمین صادره متناسب نباشد و یا منتفی شده باشد، تأمین دیگری اخذ می‌گردد. پس از شروع به محاکمه ثانوی، هرگاه دلایلی که محکوم‌علیه اقامه می‌نماید مؤثر باشد، آثار و تبعات حکم صادره متوقف و تخفیف لازم در مورد محکوم‌علیه اعمال می‌شود.

ترتیب رسیدگی پس از پذیرش درخواست اعاده دادرسی

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰، ترتیب و نحوه رسیدگی دادگاه مرجوع‌آلیه مشخص شده و طبق ماده (۲۷۲) قانون مزبور، رسیدگی ثانوی تابع قواعد و اصولی است که برای محاکمه امور جزایی مقرر است. اعتراضات و شکایات، موافق همان اصول است. در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، به ترتیب پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰، در این خصوص تعیین تکلیف نشده. با توجه به مجموع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، ترتیب رسیدگی ثانوی در موارد منطبق با این قانون نیز تابع قواعد و اصول رسیدگی به امور کیفری است و پس از صدور حکم، مقررات تجدیدنظر آرای دادگاهها قابل اجرا می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رجوع شود به: مبحث اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری.
- ۲- قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب سال ۱۳۵۶.
- ۳- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری.
- ۴- رجوع شود به: ماده (۳۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب.

اعاده به این معنا نیست که محکوم‌علیه مرتکب جرم نشده و بایستی حکم صادره نقض و رأی بر برائت صادر گردد، و این امر منحصرأ به مفهوم تجویز تجدید محاکمه می‌باشد.

آثار پذیرش درخواست اعاده دادرسی
طبق ماده (۲۷۵) قانون آیین دادرسی

در ماده (۲۰۴) قانون

مجازات اسلامی، برای قتل

انواعی مقرر شده و طبق این

ماده، قتل یا عمدی یا شبه

عمد و یا فطئی است و با

اطلاق بند ۱ ماده (۲۷۲)،

مقررات تجویز اعاده دادرسی

منمصر به قتل عمدی نیست

و با وجود شرایط می‌توان

نسبت به قتل شبه عمد و

فطائی نیز درخواست اعاده

دادرسی مطرح کرد

دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، قبول درخواست اعاده دادرسی، اجرای حکم را در صورتی که اجرا نشده باشد تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم مجدد به تعویق می‌اندازد.

شدن موجبات اعاده دادرسی، طرح درخواست مانعی ندارد.

تقاضای اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود و در صورت احراز انطباق با یکی از موارد تجویز تجدید محاکمه، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌نماید. اما اگر درخواست با موارد تجویز تجدید رسیدگی قابل تطبیق نباشد نسبت به رد درخواست اتخاذ تصمیم می‌شود. دیوان کشور غیر از پذیرش یا رد درخواست اعاده دادرسی اقدام دیگری انجام نمی‌دهد و برخلاف موارد تجدیدنظر که در حالات مختلف اگر موضوع از موارد ابرام رأی نباشد به نقض رأی اقدام و سپس برای رسیدگی ارجاع می‌نماید، رأی را نقض نمی‌نماید. نقض رأی از اختیارات دادگاه مرجوع‌آلیه است.

رأی وحدت رویه شماره ۵۳۸ - ۶۹/۸/۱ در این خصوص به این شرح صادر گردیده: «مستفاد از مادتين (۴۶۸ و ۴۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری این است که دیوان عالی کشور پس از اطمینان از جهت اوضاع و احوالی که باعث استدعای محاکمه شده با قبول درخواست اعاده محاکمه، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم‌عرض که صلاحیت رسیدگی داشته باشد ارجاع می‌دهد و تصریح قانون به عدم اجرای حکم تا زمانی که اعاده دادرسی به انتها نرسیده و حکم مجدد صادر نشده ملازمه ابقای حکم دارد، بنابراین نقض حکم قبل از رسیدگی به استدعای اعاده محاکمه، فاقد مجوز قانونی است.»

دادگاه مرجوع‌آلیه پس از پذیرش درخواست اعاده رسیدگی، الزامی به تبعیت از رأی دیوان عالی کشور در ماهیت قضیه ندارد و بایستی برطبق مقررات به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. پذیرش درخواست